



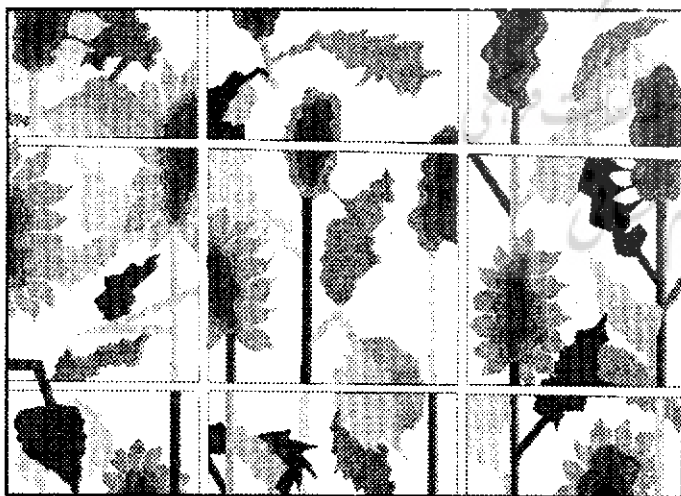
## نوروز در خرد ایرانیان

پژوهش‌گر = سید محسن مهرابی

نوروز، فرهمند و ماندگار در اندیشه‌ی ایرانی

نوروز در پهلوی نوکروچ گفته می‌شود که به معنای روز نو است و نام امروزی آن معرب شده واژه پهلوی آن می‌باشد. آن چه در شناخت و مطالعه‌ی آیین‌های نوروزی اهمیت فراوان دارد، قانون‌مندی آن است. علامه‌ی دهخدا، قدمت نوروز را شش هزار سال دانسته‌اند و این دلیلی محکم بر ماندگاری آن است. در این گفتمان سعی می‌شود پیشینه‌ی نوروز و چگونگی آیین‌های آن به طور خلاصه بیان شود. استاد ابوالقاسم فردوسی جشن نوروز را یادگاری از پادشاهی جمشید می‌داند و بیان می‌کند که جمشید پادشاه ایرانیان پس از شکست دادن دیو که وزیدن باد را مانع می‌شد و برکت را از مردم زایل می‌کرد. بر تخت زرین خود سوار شد. مردم که تخت و پادشاه را بر دوش گرفته بودند آن روز را که هرمن فرودین بود نوروز خواندند:

سر سال نو، هرمن فرودین      بر آسوده از رنج روی زمین  
بزرگان به شادی برآستند      می و جام و رامش‌گران خواستند  
چنین جشن فرخ از آن روزگار      به ما ماند از آن خسروان یادگار<sup>۱</sup>  
اما جشن نوروز از آغاز تاکنون در یک روز خاص نبوده است. مثلاً در زمان ساسانیان و پادشاهی یزدگرد سوم، نوروز در شانزدهم



حزیران رومی یعنی نزدیک اول تابستان بوده است و از آن تاریخ به بعد نوروز هر چهار سال یک روز به عقب برگشته تا در حدود سال ۳۹۲ هجری به اول برج حمل رسید. سال‌ها بعد یعنی در زمان تدوین تقویم جلالی، نوروز را در این روز ثابت نگه داشتند.

از دلایل ثابت نگه داشتن نوروز در اول برج حمل می‌توان به یافتن تقویم خورشیدی توسط ایرانیان اشاره کرد. حکیم عمر خیام در نوروز نامه می‌نویسد: «آفتاب هر ۳۰۵ روز یک چهارم از شبانه روز به یکمین دقیقه حمل باز می‌گردد» می‌توان برابری روز و شب و

مشتاق اصفهانی می‌گوید:

هزار شکر که آمد بهار و رفت خزان  
ز فیض مقدم گل شد، جهان پیر جوان  
جناب شاه مَکَلاَیک، سپاه نادرشاه  
خدیو جم عظمت، خسرو سکندر نشان  
به تخت سلطنت، این خسرو بلند اقبال  
که پیش رفعت جاهش، خجل بود کیوان  
جلوس کرد به روز خجسته‌ی نوروز  
ز یاری فلک و نصرتِ خدای جهان<sup>۲۳</sup>

در دوره قاجاریه نیز آیین‌های نوروزی با عظمت و شکوه بسیار برگزار می‌شده است. نوشته‌ها و منابع زیادی درباره نوروز در این عصر نوشته‌اند. در عصر کنونی نیز این عید با تمام آیین‌های منسوب به آن برقرار است و جزو اعیاد ملی، مذهبی سرزمین اسلامیمان به شمار می‌رود.

پایان

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- برداشت و نقل از کتاب‌های نوروز، تاریخچه و مرجع‌شناسی تألیف دکتر پرویز انکابی از انت و انت مرکز مرجع‌شناسی ایران، ۱۳۵۳ و آیین‌های نوروز، تألیف دکتر مرتضی اخروی.
- ۲- نقل از کتاب مروج الذهب، جلد ۱، صفحه ۲۲۳.
- ۳- ترجمه‌ی تاریخ طبری، ص ۲۱ - ۱۲۲.
- ۴- شاهنامه فردوسی، چاپ بروخیم، ج ۱، ص ۲۵.
- ۵- الآثار الباقیه، ترجمه فارسی دانا سرشت، ص ۲۴۲.
- ۶- کتاب یشت‌ها، ج اول، ص ۵۸۲ - ۶۰۲.
- ۷- فروردین یشت، فقره‌ی ۴۹، ج ۲، سشت‌ها، ص ۷۱.
- ۸- اول بهار.
- ۹- تقی‌زاده، کتاب گاهشماری، ص ۱۲۱.
- ۱۰- کتاب الصیاد، النوروز، ص ۱۱۵ به بعد.
- ۱۱- از کتاب ویس و رامین، ص ۲۳، ۲۶۹، ۳۸۰.
- ۱۲- کتاب گات‌ها، مقدمه، ص ۲۱.
- ۱۳- نقل از کتاب التاج جا خط بصری.
- ۱۴- التفهیم، ص ۲۵۳.
- ۱۵- پور داود، یشت‌ها، ج ۱، ص ۹۶.
- ۱۶- الآثار الباقیه، ترجمه فارسی، ص ۲۵۴.
- ۱۷- نقل از مجله‌ی مهر ۱۳۱۴، ص ۲۷۵ - ۷۶.
- ۱۸- کتاب نوع الارب، الوسی، ج ۱، ص ۳۶۴، القاهره ۱۹۲۵.
- ۱۹- المسالک و الممالک، القاهره، ۱۹۶۱، ص ۸۸.
- ۲۰- کتاب الصیاد و النوروز.
- ۲۱- الصیاد و النوروز ص ۵۷.
- ۲۲- السماء و العالم، چاپ سنگی، بی‌تاریخ، زیر عنوان فی النیروز و تحقیقه / اثر علامه‌ی مجلسی.
- ۲۳- نقل از جمله‌ی آموزش و پرورش، سال ۱۳، شماره ۶، ص ۵.



احتساب ۵ روز مستترقه ۲۶۵ روز می‌شود. ایرانیان دوازده روز اول ماه فروردین را نمادی برای ماه‌های دوازده‌گانه می‌دانستند و معتقد بودند که روز اول فروردین نماد ماه فروردین و روز دوم آن نمادی بر

ما اردیبهشت است و این حالت را تا روز دوازدهم صادق می‌دانستند. پس با شادمانی و جشن در دوازده روز اول فروردین سالی خوش و نیکو را انتظار می‌کشیدند.

«نخستین پادشاهی که نوروز عامه و خاصه را به هم پیوست و همه‌ی ایام مابین آن را جشن گرفت، هرمز پسر شاه‌پور بود. از آن پس ایام برگزاری این جشن با توجه به همان باور کهن عمر دوازده هزار ساله جهان به ۱۲ روز منحصر شد و چون بنا بر اعتقادات و باورها آغاز هزاره سیزدهم هنگام آشفته‌گی کیهانی و در هم ریختن نظم جهان هست، روز سیزدهم فروردین را که سیزده بدر (به در) نام دارد به بیرون از خانه می‌روند و با به جا آوردن آداب خاص، جشن‌های آغاز سال را پایان می‌بخشند»<sup>۵</sup>.

درباره نحس بودن عدد سیزده نظریه‌ی دیگری وجود

دارد:

«زرتشتیان معتقدند در نخستین سال رصد زردشت سیزدهم

فروردین ماه و سیزدهم ماه قمری با هم برابر شدند و از آن رو منجمین تقارن ماه و خورشید را نحس می‌دانستند، این روز نحس قلمداد گردیده و از آن پس عدد سیزده و روز سیزده در باورهای مردم نحس بوده و برای بیرون بردن هرج و مرج و بی‌نظمی از خانه‌ی خود در آن روز از خانه بیرون می‌رفتند. نمونه‌ی این بی‌نظمی را می‌توان در دوره صفویه مشاهده کرد. چون در روز سیزده به در زنان بر خلاف عرف و عادت روزهای پیش بدون روبند و نقاب و چادر به صحرا و دشت‌ها می‌رفتند و به جشن و پای‌کوبی می‌پرداختند»<sup>۶</sup>.

### چهارشنبه سوری

شب آخرین چهارشنبه سال است و در این روز ایرانیان باستان به خاموش کردن و شعله‌ور ساختن دوباره آتش‌ها می‌پرداختند. درباره اهمیت آتش در ایران باستان و آیین زرتشت می‌توان گفت که شعله‌های آتش همیشه رو به بالا میل می‌کنند و هیچ گاه به سوی پایین نمی‌آیند و این راهنمایی است برای انسان‌ها که به سوی پاکي، پرهیزگاری و عالی شدن و پرواز به سوی عالم بالا گام بردارند و از خواهش‌های نفسانی بپرهیزند. آتش پاک‌کننده اجسام ناپاک است و با هر چه برخورد کند آن را نیز چون خود درخشان می‌سازد و اساس حیات و فعال و بی‌قرار است»<sup>۷</sup>. البته افروختن آتش در ایران امروز به روزهای مختلفی برمی‌گردد، به طور مثال در بسیاری از نقاط استان کرمان چون سیرجان، آتش افروزی در جشن سده بسیار پررونق‌تر از چهارشنبه سوری می‌باشد. مردم برخی از نقاط کرمانشاه چون ایلات گوران و سنجابی در شب پیش از نوروز بر بام خانه آتش می‌افروزند تا فروهر بر فراز آسمان‌ها جشن آن‌ها را بهتر نظاره‌گر باشد. یکی دیگر از رسم‌های چهارشنبه سوری شکستن کوزه‌ای است که در طول سال در آن سکه‌هایی را پس‌انداز می‌کردند و در روز چهارشنبه سوری برای جلوگیری از چشم زخم و کمک به نیازمندان آن کوزه را که چشمارو

ترازندی بهاری را که از دیرباز مورد توجه اقوام آریایی بوده دلیلی دیگر بر این ادعا دانست. خاقانی شروانی می‌گوید:

آه‌ری آتشین روی چون بره دربرافتد  
کافور خشک گردد با مشک تر برابر<sup>۲</sup>

نصرت‌الله فروهر در این باره نظری دیگر ارائه می‌دهند. ایشان برای آغاز سال انقلاب صیغی را انتخاب می‌کنند: «انقلابین را از اعتدالین بهتر می‌شود به یاری آلت و چشم اطلاع یافت، زیرا انقلابین اول انقلاب خورشید است به یکی از دو قطب کل و همچنین اول ادبار آفتاب است به یکی از دو قطب کل و چون ظل منتصب را در انقلاب صیغی و ظل بسیط را در انقلاب شتوی، در هر موضعی از زمین رصد کنند، روز انقلاب بر راصد پوشیده نخواهد ماند. اگر چه خیلی از علم هیأت و هندسه دور باشد. اما اعتدالین را نمی‌شود شناخت مگر پس از آن که انسان در آغاز، عرض (جغرافیایی) بلد و میل کلی را بداند»<sup>۳</sup>.

ابوریحان بیرونی معتقد است که پنج روز اول نوروز، جشن همگانی و عمومی بوده و از روز ششم به بعد این جشن برای نزدیکان پادشاه برگزار می‌شده است. روز ششم را نوروز خاصه می‌گفتند.

این که چرا جشن‌های نوروزی از روز اول فروردین شروع می‌شود و ۱۲ روز به طول می‌انجامد و مردم روز سیزدهم آن را نحس می‌دانند به باوری کهن برمی‌گردد:



«در باورشناسی کهن ایران، چرخه یا دوره‌ای از هستی، به گفته‌ای دیگر، سال اسطوره‌ای و آسمانی، هم‌چون سال زمینی چهار زینه (مرحله) یا بخش دارد و هر بخش سه هزاره را دربر می‌گیرد. فصل اول زمانی است که هنوز آفرینش به نمود نیامده است و پیکرینه نشده. فصل دوم بُن‌دهشُن است و پیکرینه شدن آفرینش را بیان می‌کند. فصل سوم را گومیچشن (آمیزش) گویند و زمانی است که اهریمن به آفرینش پاک در می‌تازد و فصل چهارم و یچارشن یا جدایی است که پیراستگی و پالودگی آفرینش است. بدین سان، سال اسطوره‌ای پایان می‌پذیرد و جهان به آغاز برمی‌گردد»<sup>۴</sup>.

ایرانیان معتقد بودند که با آغاز سیزدهمین هزاره، جهان به نابسامانی می‌رسد و آن را نحس و شوم می‌دانستند. طبق علاقه‌ی جزء به کل می‌توان چرخش زمین را به دور خورشید که یک سال خورشیدی است بر این اساس به دوازده قسمت سی روزه تقسیم کرد که با

## چهارشنبه و آتش

### پژوهش‌گر = محبوبه آل‌بویه

**جشن‌ها و آیین‌ها** در نزد هر قوم و ملتی از دیرباز وجود داشته است. ملتی را نمی‌توان یافت که در تاریخ خود جشنی یا آیینی نداشته باشد. اگر چه این جشن‌ها در پی ضرورت‌های زندگی در دوره‌های ویژه‌ای از تاریخ ایجاد شده و کارآیی مشخصی داشته‌اند، اما به تدریج و با گذشت زمان از ریشه‌های اصلی خود جدا می‌شده و با توجه به نیازها و نگرش‌های جدید ادامه یافته‌اند. مردم هم که نسل به نسل این آیین‌ها و جشن‌ها را در حافظه‌ی خود حفظ کرده‌اند، پذیرای این تغییر و تحول می‌شوند. زیرا در این تغییرات شریک هستند و با علاقه‌مندی آن را دنبال می‌کنند.

«این شور و علاقه به حفظ این جشن‌ها و آیین‌ها در بین ملت‌های مختلف و جدی گرفتن آن‌ها در طول تاریخ، گذشته از برخی عقاید و اعلام هویت آنان و عشق به آن، در حقیقت دور شدن و رهایی از «روزها، هفته‌ها و نیز ماه‌ها کار یکنواخت و خسته‌کننده است که برای تلاش معاش انجام می‌گیرد و باید قانون‌ها و ضابطه‌های اجتماعی به صورتی جدی در نظر گرفته و به ناگزیر محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی که آنان را دربر گرفته است، رعایت کنند. روزهای جشن، این قرارداد و محدودیت‌ها را می‌شکنند و اعمالی را به دنبال دارند». که در روزهای عادی انجام آن اعمال نه میسر است و نه شایسته. در نتیجه این جشن‌ها موقعیت‌های ویژه‌ای ایجاد می‌کنند که به تخلیه‌ی هیجان‌ها و فشارهای ناشی از این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها می‌انجامد و سلامت روحی و روانی افراد جامعه را تضمین می‌کند.



از میان این جشن‌ها و آیین‌ها، جشن «چهارشنبه سوری» در سرزمین کهن ایران مهم‌تر و شناخته شده‌تر است. این آیین که با کمی اختلاف در صورت ظاهری آن در میان تمامی اقوام ایران زمین برگزار می‌شود، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آنچه در این آیین نمود برجسته‌ای دارد وجود آتش است.

«اصولاً میان همه‌ی اقوام آریایی، آتش از موقعیتی والا و مقام قداست مآبانه برخوردار است. در اساطیر اقوام و گروه‌های مختلف آریایی در سراسر اروپا و آسیا و شبه قاره هند، افسانه‌ها و

نام داشت و روی آن تصویر می‌کشیدند از بام بر کوی پرتاب می‌کردند.



صفحه ۱۴

### آخرین جمعه‌ی سال

طبق باوری کهن ایرانیان معتقدند، چند روز قبل از عید نوروز، روح مردگان وارد خانه‌ی آنان می‌شود و باید با برگزاری مراسم جشن و دادن طعام به فقیران رضایت و خشنودی ارواح را فراهم آورد. بخش فروردین یشت کتاب اوستا معرف این اعتقاد است. «مردم چند روز پیش از عید نوروز بر سر مزار مردگان حاضر شده و بر قبور آنان چراغ و شمع می‌افروزند. در منطقه‌ی مسنی این مراسم را علفه یا جشن مردگان گویند».

### فرستاف یا فرستافه

شب پیش از نوروز را فرستاف یا فرستافه می‌گفتند و در آن شب پارسیان برای نزدیکان خود ماده خوش‌بوی نافه را می‌فرستادند تا در هنگام تحویل سال خانه و محفل و لباس‌های خود را با آن معطر نمایند. این مراسم در روزگار ما برگزار نمی‌گردد.

### بهرودا

ایرانیان معتقدند که روز اول فروردین به بهرودا فرشته‌ی آب متعلق است. پس به این دلیل است که در سپیده دم این روز با آب قنات و حوض خود را پاکیزه می‌کنند. این رسم هنوز هم در بین ایرانیان برگزار می‌شود.

### پایان

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- شاهنامه‌ی فردوسی، چاپ مسکو، ج اول.
- ۲- کزیده دیوان خاقانی به تصحیح دکتر سیدضیاء الدین سجادی. در این بیت منظور خاقانی از آهوی آتشین روی، خورشید و از بره، برج حمل است. هنگامی که خورشید در برج حمل فرود آید این روز اولین روز نوروز و مصادف با اعتدال بهاری است. شاعر روز را از نظر سفیدی به کافور خشک و شب را از نظر سیاهی به مشک تر تشبیه کرده است. مفهوم کلی بیت، بیان اعتدال بهاری و برابر شدن شب و روز است. مصرع اول این‌گونه نیز آمده است: «آهوی آتشین روی چون در بره درآید.....»
- ۳- فروهر: دکتر نصرت‌الله، کیهان فرهنگی، شماره ۱۷۳.
- ۴- کزازی، دکتر جلال‌الدین، پرنیان پندار، چاپ اول ۱۳۷۶، انتشارات روزنه، ص ۱۹.
- ۵- محمدی، دکتر هاشم، روزنامه‌ی خبر جنوب، پنج‌شنبه ۲۸ اسفند ۷۶.
- ۶- محمدی، دکتر هاشم، روزنامه‌ی خبر جنوب، پنج‌شنبه ۶ فروردین ۷۷.
- ۷- رضایی، عبدالعظیم، تاریخ ده هزار ساله‌ی ایران، جلد اول.
- ۸- محمدی، دکتر هاشم، روزنامه‌ی خبر جنوب.

### مجموعه‌ی قرن بیستم (صد سال تاریخ ایران و جهان)

#### به زودی منتشر می‌شود

انتشارات شاهنامه این مجموعه‌ی نفیس را که دو جلد از مجموعه‌ی ۴۰ جلدی آن به زودی منتشر می‌شود، پیش‌فروش می‌کند.

تلفن: ۶۷۲۷۰۸۵ - ۶۷۰۸۹۷۸